



بررسی حسن تعبیر در زبان فارسی: رویکردی گفتمانی

سجاد موسوی^{*۱}

ابراهیم بدخشان^۲

چکیده

هدف مقاله حاضر، بررسی سازوکارهای ساخت معنای حسن تعبیری در زبان فارسی با استناد بر رویکرد گفتمانی کرسپوفرناندر (۲۰۰۵) است. از این منظر، حسن تعبیر پدیده‌ای دو وجهی است: ابتدا، به عنوان فرایندی که بر روی مفاهیم تابو و ناخوشایند (مانند ممنوعیت‌های مربوط به مسائل جنسی و مباحث مربوط به مرگ) اعمال می‌شود؛ و همچنین به عنوان مجموعه شیوه‌های گفتمانی در نظر گرفته می‌شود که برای قالب‌ریزی رفتارهای کلامی که با ملاحظات و اصول ادب سازگاری ندارند، به کار می‌رود. در این رویکرد، حسن تعبیر در واکنش به ممنوعیت اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرد و هدف اصلی حسن تعبیر، حفظ روابط بین فردی، حفظ انگاره اجتماعی گوینده و مخاطب و ایجاد سهولت و رضایت برای طرفین در هنگام ارتباطات کلامی است. با توجه به تحلیل رفتار داده‌های زبان فارسی مهم‌ترین سازوکارهای حسن تعبیری در زبان فارسی عبارتند از: جایگزینی واژگانی و راهبردهای حسن تعبیری گفتمانی که شامل شگردهای کاهنده، عبارات شبه- امری، افعال وجهی تعدیلگر، قیده‌های کاهنده، غیرشخصی‌سازی، ساختار نفی، تضمن مکالمه‌ای و شگردهای تلطیفی است.

کلیدواژه‌ها: حسن تعبیر، رویکرد گفتمانی، جایگزینی واژگانی، راهبرد گفتمانی، زبان فارسی.

✉ sadjad.mousavi@yahoo.com

۱- دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس* (نویسنده مسئول)

✉ ebadakhshan@uok.ac.ir

۲- دانشیار زبان‌شناسی، دانشگاه کردستان

مقدمه

جهت شناخت بهتر حسن تعبیر به عنوان یک راهبرد کلامی^۱ ضرورت دارد که دیدگاه جامع‌تری را نسبت به دیدگاهی که به طور کلی در مطالعات مربوط به ممنوعیت‌های زبانی مورد ملاحظه قرار می‌گیرد، ارائه کرد. در واقع، تا پیش از این، در سنت مطالعات زبان فارسی^۲، حسن تعبیر به عنوان پدیده‌ای صرفاً واژگانی در نظر گرفته شده است که برای جایگزین کردن واژه‌ها و اصطلاحات تابو در جهت کاربردهای زبانی مؤدبانه مورد استفاده قرار می‌گیرد. اما با توجه به تحلیل رفتار داده‌های زبان فارسی و با استناد بر رویکرد گفتمانی کرسپوفرناندز^۳ (۲۰۰۵) به نظر می‌رسد فرایندهای حسن تعبیرسازی در زبان فارسی فراتر از رویکرد صرفاً واژگانی است و محدود کردن این فرایندها به جایگزینی یک به یک واژگانی، باعث نادیده گرفتن تدابیر حسن تعبیری گفتمانی می‌شود که در گفتارهای روزمره وجود دارد. این رویکرد حسن تعبیر را تنها به عنوان یک فرایند واژگانی صرف، که برای تعدیل و تلطیف مفاهیم معینی که در کاربرد زبانی رایج، نامناسب است، در نظر نمی‌گیرد، بلکه، همچنین آن را به عنوان پدیده‌ای جامع‌تر و کامل‌تر، که در درجه‌ی اول دارای بعد گفتمانی^۴ است، تلقی می‌کند. از این دیدگاه، حسن تعبیر ابزاری گفتمانی است که برای تقویت و افزایش ادب اجتماعی و حفظ خود انگاره اجتماعی شرکت‌کنندگان در مکالمات به کار می‌رود و روابط بین فردی را تسهیل می‌کند. به عبارت دیگر، حسن تعبیر در واکنش به ممنوعیت اجتماعی به کار می‌رود و هدف اصلی حسن تعبیر، حفظ روابط بین فردی، حفظ انگاره اجتماعی گوینده و مخاطب و ایجاد سهولت و رضایت برای طرفین در هنگام ارتباطات کلامی است. با توجه به این موارد، هدف از انجام این پژوهش، بررسی حسن تعبیر و معرفی سازوکارهای حسن تعبیرسازی در زبان فارسی در چارچوب رویکرد گفتمانی کرسپوفرناندز (۲۰۰۵) است.

از این رو، اصلی‌ترین پرسشی که در مقاله حاضر به آنها پاسخ داده خواهد شد عبارت است از اینکه: مهم‌ترین سازوکارهای حسن تعبیرسازی در زبان فارسی کدامند؟ در راستای پاسخگویی به سوال مطرح شده، فرضیه زیر مدنظر است: با توجه به تحلیل رفتار داده‌های زبان فارسی مهم‌ترین سازوکارهای حسن تعبیری در زبان فارسی عبارتند از: جایگزینی واژگانی و راهبردهای حسن تعبیری گفتمانی که شامل شگردهای کاهنده، عبارات شبه-امری، غیرشخصی‌سازی، ساخت نفی، تضمن مکالمه‌ای و شگردهای تلطیفی است.

جستار حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای به بررسی حسن تعبیر در زبان فارسی پرداخته است. داده‌هایی که در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرند، برگرفته از فرهنگ بزرگ سخن (۱۳۸۱) و فرهنگ طیفی فراروی (۱۳۸۹) هستند و در زبان گفتاری کاربرد بیشتری دارند. در این مقاله، ابتدا، به بررسی تعاریف حسن تعبیر خواهیم پرداخت. سپس، در بخش چارچوب نظری، رویکرد گفتمانی کرسپوفرناندز (۲۰۰۵) معرفی خواهد شد. بخش بعدی به بحث و بررسی حسن تعبیر در زبان فارسی در

1. Verbal Strategy

۲. نگاه کنید به انوشه، ۱۳۸۱: ۵۲۸؛ داد، ۱۳۸۷: ۱۱۵؛ شریفی ۱۳۸۷: ۴۹۷ و شمیسا، ۱۳۸۹: ۲۱۹.

3. Crespo Fernández

4. Discursive

چارچوب مطرح شده اختصاص دارد. در پایان نیز نتایج این تحقیق ارائه خواهد شد. در ادامه، به دلیل حجم بالای مطالعات انجام شده و با توجه به موضوع مقاله، تنها آثاری که به ارائه تعریف برای اصطلاح حسن تعبیر پرداخته‌اند، مورد بررسی قرار می‌گیرند. تعاریف مربوط به پدیده حسن تعبیر را می‌توان به دو گروه اصلی طبقه‌بندی کرد: الف) تعاریف فرازبان‌شناختی ب) تعاریف زبان‌شناختی.

تعاریف فرازبان‌شناختی

تعاریف فرازبان‌شناختی اساساً تعاریفی روان‌شناختی هستند و با انگیزه‌ها و عواملی که باعث تولید حسن تعبیر می‌شوند سروکار دارند. مونتینو^۱ (۱۹۵۳: ۱۵۳) معتقد است که حسن تعبیر صنعتی است که برای پنهان کردن ایده‌های ناخوشایند، تنفرانگیز و ناراحت‌کننده به کار می‌رود. تعریف وارداف^۲ (۱۹۸۶: ۲۳۷) نیز در این چارچوب قرار می‌گیرد؛ او این پدیده را نتیجه پاک‌سازی حوزه‌های خاصی از زندگی می‌داند تا بتوان آنها را خوشایند ساخت. هتسفلد^۳ حسن تعبیر را جایگزین کردن واژه خوشایند به جای واژه ناخوشایند به دلیل ترس مذهبی یا وجدان اخلاقی و یا ادب معرفی می‌کند (به نقل از کاساس گومز^۴، ۲۰۰۹: ۷۲۷). ردفرن^۵ (۱۹۹۴: ۱۱۸۱) نیز اظهار می‌کند که حسن تعبیر شیوه‌ای است جهت بیان چیزهایی که در حالت عادی نمی‌توان بر زبان آورد و از طریق آن، منطقه‌ای امن در زبان ایجاد می‌شود که از طرف راهبرد ادب بر زبان تحمیل شده‌است. وی می‌افزاید که حسن تعبیر سطحی رابط است که در بین گفتمان صریح و ممنوعیت کامل قرار می‌گیرد (همان).

همان‌طور که مشاهده می‌شود این آثار حسن تعبیر را براساس انگیزه و دلایل ایجاد آن مورد توجه قرار می‌دهند. اما در مواردی نیز حسن تعبیر با توجه به سازوکارها و منابع زبان‌شناختی تعریف می‌شود و بر ماهیت زبان‌شناختی آن تأکید بیشتری شده است که در ادامه به معرفی آنها خواهیم پرداخت.

تعاریف زبان‌شناختی

برخلاف تعاریف فراوانی که از دیدگاه غیرزبان‌شناختی درباره حسن تعبیر صورت گرفته است، تعاریف کمی وجود دارند که در چارچوب زبان‌شناسی محض ارائه شده باشند. برونو^۶ حسن تعبیر را شامل جایگزینی آگاهانه اصطلاح یا عبارتی ممنوع به وسیله عبارت غیرمستقیم می‌داند (به نقل از کاساس گومز، ۲۰۰۹: ۷۲۷). بالدینگر^۷ نیز معتقد است که حسن تعبیر یک جایگزینی واژگانی است که همواره باعث انتزاعی‌سازی و ارائه

-
1. Munteano
 2. Wardaugh
 3. Hatzfeld
 4. Casas Gomez
 5. Redfern
 6. Bruneau
 7. Baldinger

مفهومی عام می‌شود (همان). چمیزو و سانچزبندیتو^۱ نیز از دیدگاه زبان‌شناختی، حسن تعبیر را تغییر معنایی و گسترش معنای آن معرفی می‌کنند (همان).

از دیدگاه کاربردشناسی زبان نیز بر مطالعه حسن تعبیر تأکید فراوانی شده است. در این چارچوب، مشخصات گفتمانی و عناصری که در فرایند ارتباط حسن تعبیری دخیل هستند مورد مطالعه قرار می‌گیرند و نقش تعبیری مخاطب در تأثیر بیانی که از طریق حسن تعابیر ایجاد می‌شود دارای اهمیت ویژه‌ای است. آلن و بریج^۲ (۱۹۹۱: ۱۶) معتقدند که حسن تعبیر برای جلوگیری از تهدید وجهه اجتماعی و در واقع، از دست دادن وجهه اجتماعی گوینده، مخاطب و شخص ثالث، به‌عنوان جایگزین برای یک عبارت ناخوشایند به‌کار می‌رود. وارن^۳ نیز با اتخاذ رویکردی کاربردشناختی، حسن تعبیر را این‌گونه تعریف می‌کند:

زمانی واژه حسن تعبیری وجود خواهد داشت که مخاطب درک کند که بعضی از واژه‌ها یا عبارات، دال بر تمایل گوینده برای اشاره به پدیده‌ای حساس، به شیوه‌ای مؤدبانه و یا ضمنی است. در واقع تفسیر و تعبیر واژه‌های حسن تعبیری، براساس بافت تعیین می‌گردد. به عبارت دیگر، گوینده باید منظوری حسن تعبیری از واژه به‌کار رفته شده داشته باشد و مخاطب نیز آن را دارای بار معنایی حسن تعبیری بداند (وارن، ۱۹۹۲: ۱۳۵).

در تعریف وارن، سه نکته مهم وجود دارد: (۱) مصداق مورد نظر، پدیده‌ای حساس محسوب می‌شود؛ (۲) عبارت حسن تعبیری، خوشایندتر، مطلوب‌تر و غیرمستقیم‌تر از عبارت اصلی است؛ (۳) درک مخاطب است که عبارت گوینده را به‌عنوان حسن تعبیر می‌پذیرد. با توجه به این مورد، عباراتی دارای بار معنایی حسن تعبیری هستند که از سوی مخاطب، به‌عنوان حسن تعبیر تلقی شوند. وارن تأثیر بافت در تعیین واژه‌های حسن تعبیری را نیز بسیار مهم می‌داند.

از طرف دیگر، پژوهشگران زبان فارسی آن‌گونه که بایسته است به ارائه تعریف برای اصطلاح حسن تعبیر در زبان فارسی نپرداخته‌اند. اما با این حال، می‌توان به آثاری مانند داد، ۱۳۷۸؛ انوشه، ۱۳۸۱؛ شریفی، ۱۳۸۷ و شمیسا ۱۳۸۹ اشاره کرد. داد در تعریف حسن تعبیر در زبان فارسی می‌گوید:

حسن تعبیر در اصطلاح، استفاده از کلمات ملایم، مؤدبانه و غیرمحاوره‌ای، به جای کلمات گستاخانه، صریح و غیرمؤدبانه است. این‌گونه کلمات، به‌خصوص در مسایل ناراحت‌کننده، ترسناک یا کریه به جای واژه‌های اصلی به‌کار می‌روند. استفاده از کلمات «درگذشت» یا «فوت» به جای «مرگ»، «دوست»، به جای «رفیق» و «بینی» به جای «دماغ» نمونه‌هایی از حسن تعبیر است (داد، ۱۳۸۷: ۱۱۵).

انوشه هنگام تعریف حسن تعبیر می‌گوید:

به‌کارگیری واژگان و عبارات خوش‌آهنگ، خوش‌آیند، و مؤدبانه به جای واژگان و عبارات خشن، گستاخانه، رک و محاوره‌ای را گویند (انوشه، ۱۳۸۱: ۵۲۸).

1. Chamizo & Sanchez Benedito

2. Allan & Burridge

3. Warren

شریفی نیز حسن تعبیر را این‌گونه تعریف می‌کند:
 حسن تعبیر آن است که به جای کلمات گستاخانه و بی‌پرده و غیرمؤدبانانه از کلمات ملایم و مستور و مؤدبانانه استفاده شود؛ مانند: «درگذشت» به جای «مرگ» یا «هم‌بالینی» به جای «رابطه جنسی» (شریفی، ۱۳۸۷: ۴۹۷).

چارچوب نظری

چارچوب نظری این پژوهش بر رویکرد گفتمانی کرسپوفرناندز (۲۰۰۵) استوار است. او معتقد است که حسن تعبیر پدیده‌ای است که اصالتاً به مسئله ادب و مهارت‌های اجتماعی در روابط بین‌فردی مرتبط است و به عنوان ابزاری مؤثر باعث تسهیل مکالمات در برخوردهای کلامی می‌شود. از این دیدگاه، حسن تعبیر تنها به عنوان پدیده‌ای صرفاً واژگانی که برای جایگزین کردن واژه‌ها و اصطلاحات تابویی که به علت گذر زمان تثبیت و کلیشه‌ای شده‌اند در نظر گرفته نمی‌شود (مانند واژه‌های مربوط به مرگ، مسائل جنسی، بیماری‌ها و غیره). در این رویکرد، بر این نکته تأکید می‌شود که محدود کردن فرایند حسن تعبیر به جایگزینی یک به یک واژگانی باعث نادیده گرفتن راهبردهای گفتمانی می‌شود که در گفتارهای روزمره برای ایجاد معنای حسن تعبیری به کار می‌روند. زیرا، این راهبردها اهداف حسن تعبیر یعنی ایجاد سازگاری اجتماعی در ارتباطات کلامی و تطابق با کارکرد گفتمانی (تقویت روابط اجتماعی در ارتباطات بین‌فردی) را محقق می‌سازند. با توجه به این موارد، می‌توان حسن تعبیر را رفتاری کلامی قلمداد کرد که در گفتمان اجتماعی رخ می‌دهد.

این رویکرد نگاه جامع‌تری به پدیده‌ی حسن تعبیر نسبت به رویکردهای سنتی دارد. طبق سنت رایج در مطالعات حسن تعبیر، کاربران زبان، از حسن تعبیر در جهت کاهش خطرات بالقوه واژه‌ها و عبارات تابو که در یک موقعیت اجتماعی خاص، زشت و آزاردهنده به نظر می‌رسند استفاده می‌کنند. اما در چارچوب گفتمانی کرسپوفرناندز، حسن تعبیر، محدود به یک ساخت زبانی نیست که به کاربران اجازه می‌دهد، درباره‌ی واژه‌های تابو در مکان‌های عمومی صحبت کنند، بلکه، حسن تعبیر، پدیده‌ای جامع‌تر است که طرفین مکالمه در جهت تلطیف تأثیر مکالمات و برای جلوگیری از آزار و ایجاد تنش به کار می‌برند.

در این حالت، هر واحد زبانی یا راهبرد کلامی که سعی در جلوگیری از ایجاد تنش در ارتباطات بین‌فردی دارد، به عنوان حسن تعبیر در نظر گرفته می‌شود و فرایند حسن تعبیرسازی تنها بر موضوعات تابو اعمال نمی‌شود بلکه رفتارهای کلامی دیگر مانند کنش‌های گفتاری مستقیم (به‌خصوص دستور و درخواست مستقیم) که ممکن است در تعاملات اجتماعی، زننده و نامطلوب و یا بی‌ادبانه تلقی شوند تحت فرایند حسن تعبیرسازی قرار می‌گیرند. از این منظر، حسن تعبیر پدیده‌ای دو وجهی است: ابتدا، به عنوان فرایندی که بر روی مفاهیم تابو (مانند ممنوعیت‌های مربوط به مسائل جنسی و مباحث مربوط به مرگ) اعمال می‌شود و در مطالعات مربوطه معمولاً آن را به عنوان پدیده‌ای واژگانی در نظر می‌گیرند؛ ثانیاً، به عنوان مجموعه شیوه‌های گفتمانی که برای قالب‌ریزی رفتارهای کلامی که با ملاحظات و اصول ادب سازگاری ندارند، به کار می‌رود.

با توجه به این موارد، هدف اصلی حسن‌تعبیر، مطابقت با کارکرد گفتمانی است، کارکردی که روابط اجتماعی در ارتباطات بین فردی را تقویت می‌کند. این کارکرد حسن‌تعبیری، به وسیله جایگزینی واژگانی و به خصوص از طریق راهبردهای حسن‌تعبیری گفتمانی انجام می‌گیرد.

جایگزین‌سازی واژگانی به‌طور کلی شیوه‌ای مؤثر جهت کاهش دادن بار معنایی ناخوشایند واژه‌ها است مانند آرامگاه (قبر)، باد گلو (آروغ)، فوت (مرگ)، دستشویی (توالت)، ناشنوا (کر)، ناموفق (شکست‌خورده)، ادرار (شاش)، سینه (پستان)، بیرون‌روش (اسهال). در این شیوه، گوینده با استفاده از جایگزین‌سازی واژگانی باعث تقویت سازگاری اجتماعی در بافت‌های ارتباطی معین می‌شود و وجهه اجتماعی شرکت‌کنندگان در مکالمه را حفظ می‌کند.

از طرف دیگر، کرسپوفرناندز انواع مختلفی از راهبردهای گفتمانی غیرمستقیم را معرفی می‌کند که دارای کارکردهای حسن‌تعبیری هستند. لازم به ذکر است که شیوه‌های کلامی غیرمستقیم، سعی در کاهش توان منظوری^۱ کنش‌گفتاری دارند، بدون آنکه تغییری در محتوای پیام ایجاد شود. این مورد به این علت است که کنش‌های گفتاری غیرمستقیم، آزادی عمل بیشتری به گیرنده پیام می‌دهند و جنبه نامطلوب و غیرمثبت پیام را کاهش می‌دهند. از جمله راهبردهای کاهنده‌ای که برای جلوگیری از ایجاد تنش در مکالمات بین‌فردی به کار می‌روند عبارتند از:

- عبارات عذرخواهی کاهنده^۲:

این عبارات قبل و بعد از موضوع تنش‌زا قرار می‌گیرند و گوینده در این مورد می‌تواند میزان بی‌احترامی کنش گفتاری نامطلوب را کاهش دهد:

- ببخشید که می‌پرسم...

- متأسفم که این حرفو می‌زنم ...

- خیلی شرمندم که اینو میگم...

یا عبارتی مانند:

- نمی‌خوام فضولی کنم اما...

- عبارات شبهه-امری^۳:

این عبارات باعث کاهش تحمیل کنش‌های گفتاری مستقیم می‌شوند. به عبارت دیگر، دستورات، درخواست‌های مستقیم و رفتارهای کلامی‌ای که اساساً در گفتمان‌های اجتماعی، غیرمؤدبانه تلقی می‌شوند، جزء کنش‌های گفتاری مستقیم هستند. در این نوع راهبردها باید موارد زیر را از یکدیگر متمایز کرد:

الف) پرسش‌های ضمیمه‌ای^۴: این پرسش‌ها به همراه کنش‌های گفتاری مستقیم می‌آیند. گاهی نیز برای حفظ استقلال مخاطب و عدم تحمیل گفتار (رعایت ادب سلیبی) از این پرسش‌ها استفاده می‌شود:

1. Illocutionary Force
2. Mitigating Apology Expressions
3. Pseudo-Imperative Expressions
4. Tag Questions

- یه چای داغ تو این هوای سرد می‌چسبه، مگه نه؟

(ب) **افعال وجهی تعدیلگر**^۱: این افعال کمکی کاهش‌دهنده بار منفی و ناخوشایند جمله هستند:

- ممکنه اون کیف به من بدی؟

- میشه پنجره رو ببندی؟

(ج) **قیدهای کاهنده**^۲: قیدهایی مانند *یه کم*، *بگویی نگویی*، *نه خیلی* و *یه خُرده* که باعث کاهش تنش و بار

معنایی منفی در مکالمات می‌شوند.

- **جملات شرطی**:

این جملات با هدف ایجاد معنای حسن تعبیری برای کاهش ناخوشایندی کنش گفتاری مستقیم به کار می‌روند. به عبارت دیگر، با توجه به اینکه در جملات شرطی، نوعی اختیار و آزادی عمل وجود دارد، این جملات برای اهداف حسن تعبیری مورد استفاده قرار می‌گیرند، مانند:

- اگه من جای تو بودم، این کار نمی‌کردم.

سه نکته مهم رویکرد گفتمانی کرسپوفرماندز عبارتند از: (۱) حسن تعبیر رفتاری کلامی است و در گفتمان اجتماعی رخ می‌دهد؛ (۲) ایجاد معنای حسن تعبیری از طریق جایگزینی واژگانی در بافت زبانی و بافت موقعیتی خاص صورت می‌گیرد و محدود به موضوعات تابو نیست؛ (۳) علاوه بر جایگزینی واژگانی می‌توان از راهبردهای گفتمانی مختلف برای ایجاد معنای حسن تعبیری استفاده کرد. در بخش بعدی، با توجه به این سه شاخص به بررسی رفتار حسن تعبیر و معرفی سازوکارهای حسن تعبیری در زبان فارسی خواهیم پرداخت.

بحث و بررسی

در این بخش، براساس چارچوب نظری مطرح شده و با توجه به رفتار داده‌ها، سازوکارهای حسن تعبیری در زبان فارسی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

جایگزین‌سازی واژگانی

جایگزین‌سازی واژگانی یکی از شیوه‌های حسن تعبیری در زبان فارسی است که باعث کاهش بار منفی و ناخوشایند مفاهیم می‌شود. در واقع با استفاده از جایگزین‌سازی واژگانی *تخفیف*^۳ یا همان *تلطیف* حسن تعبیری بر روی مفاهیم ناخوشایند اعمال می‌شود:

نابینا (کور)، غسل‌خانه (مرده‌شورخانه)، متکدی (گدا)، آرامستان (قبرستان)، سرویس بهداشتی (توالت)، توان‌خواه (معلول)، سالمند (پیر)، درگذشت (مرگ)، نازا (عقیم)، آب دهان (تف)، شکم‌روش (اسهال)، کندذهن

1. Hedging Model Verbs
2. Downtoning Adverbs
3. Mitigation

(خنک).^۱

نکته مهمی که در چارچوب این رویکرد گفتمانی مطرح است، توجه به بافت زبانی و بافت موقعیت در بررسی حسن تعابیر است. در این حالت، بر خلاف رویکردهای سنتی، به نقش این عناصر گفتمانی در ایجاد معنای حسن تعبیری توجه می‌شود و حسن تعابیر در خلاء مورد بررسی قرار نمی‌گیرند. شعیری درباره فرایند تولید معنا در گفتمان می‌گوید که معنا نه براساس اهداف از پیش تعیین شده، بلکه براساس کارکردهای موقعیتی گفتمان شکل می‌گیرد (۱۳۸۸، الف: ۳۴). این ویژگی مهم در رویکردهای گفتمانی را می‌توان به معنای حسن تعبیری نیز تعمیم داد. به این معنا که، تنها از طریق بافت معین و شرایط مشخص می‌توان یک عبارت زبانی را به عنوان حسن تعبیر قلمداد کرد و معنای حسن تعبیری در این شرایط به عنوان ارزش ارتباطی شناخته خواهد شد. به عبارت دیگر، نشانه‌های زبانی بریده شده، منقطع و جدا افتاده از بافت و موقعیت، فاقد ارزش گفتمانی است (شعیری، ۱۳۸۸ ب: ۶۹). براساس رویکردهای سنتی، نمی‌توان نمونه‌های زیر را دارای معنای حسن تعبیری دانست، اما با توجه به بافت زبانی و موقعیتی خاص، تمامی این موارد می‌توانند دارای معنای حسن تعبیری باشند:

۱. هدیه (قیمت) این قرآن چه قدر است؟ (فرهنگ بزرگ سخن، ۱۳۸۱: ۸/ ذیل «هدیه»).
۲. آجیل (رشوه) دادن او به مقامات بالاتر (فرهنگ بزرگ سخن، ۱۳۸۱: ۱/ ذیل «آجیل»).
۳. او را در اختیار کارگزینی قرار دهید (او اخراج است) (فراروی، ۱۳۸۹: ذیل «اخراج»).
۴. اگر بوی آن به دماغش بخورد، زیر دلش می‌زند و دچار شکوفه (استفراغ) می‌شود (فرهنگ بزرگ سخن، ۱۳۸۱: ۵/ ذیل «شکوفه»).

برای مثال در جمله ۱ واژه قیمت به نظر نمی‌رسد که واژه‌ای تابو باشد، زیرا این واژه امروزه یکی از پرکاربردترین واژه‌های زبان فارسی است که بارها و بارها در مکالمات روزمره به کار می‌رود. از طرف دیگر، در خلاء و بدون توجه به عناصر گفتمانی نمی‌توان قیمت را به عنوان واژه‌ای ناخوشایند و هدیه را به عنوان حسن تعبیر در نظر گرفت. اما، با توجه به عناصر گفتمانی بافت زبانی و موقعیتی، قرار گرفتن واژه قیمت (دارای بعد مادی) در کنار واژه قرآن (دارای بعد معنوی غنی) باعث تولید معنای ناخوشایند می‌شود. به همین دلیل از واژه‌ای استفاده شده است که متناسب با بعد معنوی قرآن باشد. از طرف دیگر، علاوه بر جایگزینی واژگانی، راهبردهای حسن تعبیری دیگری نیز در زبان فارسی وجود دارند که در گفتمان‌های اجتماعی مختلف برای تولید معنای حسن تعبیری مورد استفاده قرار می‌گیرند.

راهبردهای گفتمانی حسن تعبیری در زبان فارسی

همان‌طور که در بخش چارچوب نظری مطرح شد، ایجاد سازگاری اجتماعی در ارتباطات کلامی و تطابق با کارکرد گفتمانی، اهداف اصلی کاربرد حسن تعبیر است. در زبان فارسی، این اهداف تنها از طریق

۱. برای مشاهده داده‌های بیشتر، رجوع شود به بدخشان و موسوی، ۱۳۹۳.

جایگزین‌سازی واژگانی به دست نمی‌آید، بلکه راهبردهای حسن تعبیری دیگری نیز وجود دارند که در قالب وجه دستوری^۱، تضمن مکالمه‌ای، پرسش‌های ضمیمه‌ای و شگردهای تلطیفی^۲ و مواردی از این دست نقش خود را ایفا می‌کنند. با استفاده از این راهبردها از تنش‌هایی که کنش‌های کلامی معین در موقعیت‌های مشخص به وجود می‌آورند جلوگیری می‌شود و یا حداقل از این تنش‌ها در راستای ایجاد معانی حسن تعبیری کاسته می‌شود. در ادامه این بخش به معرفی این راهبردها می‌پردازیم.

جملات شرطی

استفاده از جملات شرطی (وجه شرطی) به جای جملات امری (وجه امری) باعث کاهش قدرت تحمیل کنش‌های گفتاری مستقیمی (مانند دستورات و درخواست‌های مستقیم) می‌شود که در موقعیت‌های معین ناخوشایند هستند:

(۱) اگر من جای تو بودم، ازش معذرت خواهی می‌کردم.

این جمله با هدف حسن تعبیری برای کاهش ناخوشایندی کنش گفتاری مستقیم (امر کردن) به کار می‌رود. با توجه به اینکه در جملات شرطی نوعی اختیار و آزادی عمل برای مخاطبان به وجود می‌آید، می‌توان از این جملات برای ایجاد معنای حسن تعبیری استفاده کرد.

جملات اخباری

از طریق قالب‌بندی وجه امری در جملات اخباری با توجه به موقعیت‌های ارتباطی مختلف، می‌توان کنش کلامی غیرمستقیم و مؤدبانه‌ای را عرضه کرد:

(۲) از اینکه در اینجا آشغال نمی‌ریزید متشکریم (دیوارنوشته).

این جمله دارای ساخت خبری است و به عنوان کنش کلامی غیرمستقیم برای دستور دادن به کار می‌رود.

جملات پرسشی

در این جملات با استفاده از افعال کمکی وجهی مانند ممکن بودن از بار منفی جمله کاسته می‌شود:

(۳) ممکنه سیگار تون رو خاموش کنید؟

ساختار منفی

در زبان فارسی می‌توان تخفیف یا کاهش حسن تعبیری را با استفاده از عنصر نفی اعمال کرد:

(۴) ایده خوبی نیست (ایده بدی است)

(۵) این خانه پاک نیست (خانه کثیف است)

غیرشخصی‌سازی

از طریق فرایند غیرشخصی‌سازی^۳ به‌ویژه فرایند مجهول‌سازی، می‌توان موقعیت‌های ناخوشایند را تعدیل

1. Grammatical Mood
2. Mitigating Devices
3. Impersonalization

کرد. برای مثال، در موقعیتی که در آن با دیدگاه دیگران مخالفت می‌شود، می‌توان با استفاده از این شیوه حسن تعبیری فضای به دور از تنش را ایجاد کرد که در آن، طرفین گفتگو، هیچ‌گونه تهدیدی را نسبت به خودانگاره اجتماعی (وجهه اجتماعی خود) احساس نمی‌کنند و یا حداقل به صورت صریح و بی‌پرده این عمل انجام نمی‌گیرد:

۶) استاد به دانشجو: تقریباً تمام تصاویری که اینجا آمده اینا همه بدون منابع و مأخذ است (حسینی: ۹۵).

پرسش‌های ضمیمه‌ای

گاهی برای حفظ استقلال مخاطب و عدم تحمیل گفتار به او (رعایت ادب سلبی) از پرسش‌های ضمیمه‌ای استفاده می‌شود:

۷) به چای داغ تو این هوای سرد می‌چسبه، اینطور نیست؟

قیدها و عبارات کاهنده

در حوزه کارکرد حسن تعبیری، نیاز به تطابق با رفتارهای اجتماعی مناسب، موجب کاربرد قیدها و عبارات کاهنده در مکالمات می‌شود. در این حالت، هدف اصلی، جلوگیری از آزار و تنش در گفتمان‌های اجتماعی و حفظ وجهه طرفین گفتگو است. در موقعیت زیر شخص ب به پیشنهاد الف با هم به یک کنسرت رفته‌اند:

۸) الف: نظرت در مورد خواننده چیه؟ (پس از پایان کنسرت)

ب: یه خرده صدش بد بود.

در نمونه زیر نیز پاسخ‌دهنده نظر خود را با احتیاط و با استفاده از قیدهای کاهنده بیان می‌کند و باعث تلطیف ارتباط کلامی می‌شود:

۹) به نظرت من پیر شدم؟ گفت: همچین. بگویی نگویی (فرهنگ بزرگ سخن، ۱۳۸۱: ۸ / ذیل «همچین»).

تضمن مکالمه‌ای

با استفاده از این راهبرد ارتباطی، معنای ناخوشایند به صورت تلویحی بیان می‌شود. برای مثال در مکالمه زیر رد کردن پیشنهاد از طریق تضمن مکالمه‌ای صورت می‌گیرد و از شدت مخالفت در ارتباط کلامی کاسته می‌شود:

۱۰) الف: میای بریم خرید؟

ب: فردا امتحان دارم.

شگردهای تلطیفی

عبارت‌های تلطیفی در آغاز جملاتی که در تعاملات کلامی تنش‌زا هستند به کار می‌روند و باعث تعدیل و تخفیف حسن تعبیری می‌شوند. در زبان فارسی فرایند حسن تعبیرسازی محدود به موضوعات تابو نیست و بر

موضوعات دیگری مانند تحسین کردن و مقایسه کردن افراد نیز اعمال می‌شود. در موقعیت‌های خاصی که شنونده به طور مستقیم مورد تحسین قرار می‌گیرد با توجه به بافت فرهنگی فارسی‌زبانان، معنایی ناخوشایند ایجاد می‌شود. بنابراین، برای کاهش دادن تأثیرات منفی این موارد، از عبارات تلطیفی مختلفی مانند چشم بد به دور و ماشاء... استفاده می‌شود:

(۱) چشم بد به دور چه خوشگل شدی!

(۱۲) ماشاء... چشم کف پات چقدر خوشگل شدی! (اکبری، ۲۰۰۶: ۶).

(۱۳) هزار... اکبر، هزار... اکبر چقدر این بچه باهوش است (فرهنگ بزرگ سخن، ۱۳۸۱: ۸ / ذیل «هزار»).

(۱۴) به‌به، ماشاء... هزار ماشاء... چه آقای خوبی چه آقای قشنگی (فرهنگ بزرگ سخن، ۱۳۸۱: ۸ / ذیل «هزار»).

در مواردی که مقایسه‌هایی در مکالمات روزمره انجام می‌شود ممکن است باعث آزار شنونده شود. در این حالت، در زبان فارسی از عبارات تلطیفی مانند هفت قرآن در میان یا هفت کوه در میان برای تعدیل معنای ناخوشایند استفاده می‌شود:

(۱) هفت قرآن در میان، آن جوانی که کشته شد، هفت کوه در میان خیلی شبیه پسر شما بود (فرهنگ بزرگ سخن، ۱۳۸۱: ۸ / ذیل «هفت»).

همچنین، در حالتی که یکی از طرفین گفتگو در نظام مدیریت مکالمه اختلال ایجاد می‌کند و می‌خواهد عرصه مکالمه را در نقطه‌ای که متعلق به او نیست به دست بگیرد از عبارت تلطیفی شکر میان کلامتان استفاده می‌شود، زیرا همپوشی در محلی صورت گرفته است که امکان واگذاری رشته کلام وجود ندارد و این حالت باعث آزار گوینده‌ای می‌شود که عرصه مکالمه به او تعلق دارد:

(۲) شکر میان کلامتان، امروز هم که من جای شما در کلاس بودم، باز هم این شاگرد دیر آمد (فرهنگ بزرگ سخن، ۱۳۸۱: ۵ / ذیل «شکر»).

از دیگر عبارات تلطیفی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

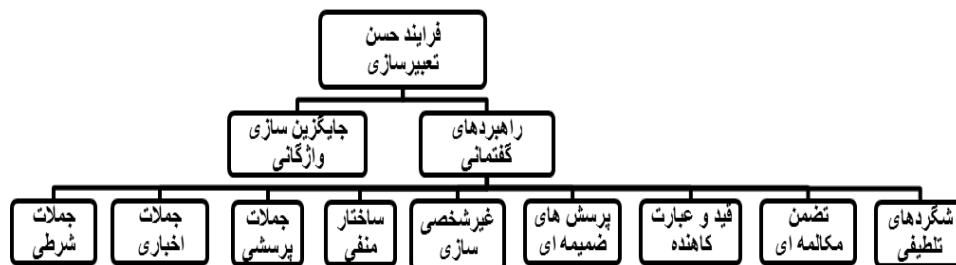
(۳) گلاب به رویتان، بیرون‌روش گرفته بودم (فرهنگ بزرگ سخن، ۱۳۸۱: ۶ / ذیل «گلاب»).

(۴) روم به دیوار، بیرون‌روش گرفته بودم (فرهنگ بزرگ سخن، ۱۳۸۱: ۴ / ذیل «رو»).

(۵) خاک برایش خیر نبرد، خیلی آدم خسیسی بود. (هنگامی به کار می‌رود که می‌خواهند درباره مرده سخن ناخوشایندی بگویند) (فرهنگ بزرگ سخن، ۱۳۸۱: ۳ / ذیل «خاک»).

(۶) او مرد خداست و مثل جوان‌های هرزه و جلف نیست که زبانم لال به بعضی جاها رفته باشد (فرهنگ بزرگ سخن، ۱۳۸۱: ۵ / ذیل «زبان»).

با توجه به این موارد، می‌توان سازوکارهای ساخت معنای حسن تعبیری در زبان فارسی را به صورت زیر خلاصه کرد:



شکل ۱: سازوکارهای حسن تعبیری در زبان فارسی

نتیجه گیری

هدف اصلی جستار حاضر، بررسی سازوکارهای حسن تعبیر در زبان فارسی با استناد بر رویکرد گفتگویی کرسپوفرناندر (۲۰۰۵) بود. برای این منظور، ابتدا سعی شد که تعاریف مربوط به حسن تعبیر ارائه شود. سپس در بخش دوم رویکرد گفتگویی کرسپوفرناندر (۲۰۰۵) معرفی شد و نشان داده شد که اهداف اصلی حسن تعبیر ایجاد سازگاری اجتماعی در ارتباطات کلامی، حفظ خودانگاره شرکت کنندگان در مکالمه و حفظ روابط بین فردی است. در بخش سوم نیز، سازوکارهای حسن تعبیری در زبان فارسی مورد بررسی قرار گرفت و استدلال شد که فرایند حسن تعبیرسازی فراتر از جایگزین سازی واژگانی است و سازوکارهای ساخت معنای حسن تعبیری تنها بر موضوعات تابو اعمال نمی شود بلکه هر رفتار کلامی که باعث ایجاد تنش در ارتباطات بین فردی می شود می تواند تحت اعمال این فرایندها قرار بگیرد. با توجه به بررسی های انجام شده در این مقاله، به نظر می رسد بررسی حسن تعبیر در چارچوب رویکرد گفتگویی مطرح شده با ماهیت این پدیده و ابعاد اجتماعی و کارکرد موقعیتی حسن تعبیر در زبان فارسی سازگاری بیشتری دارد. در واقع می توان گفت تلقی حسن تعبیر تنها به عنوان یک پدیده ای واژگانی نیازمند بازنگری جدی است. خلاصه اینکه، حسن تعبیر پدیده ای گفتگویی است، دیدگاهی که چندان در سنت مطالعات مربوط به حسن تعبیر به آن پرداخته نشده است.

منابع

- انوشه، حسن و دیگران (۱۳۸۱)، فرهنگنامه ادب فارسی. جلد دوم: اصطلاحات، مضامین و موضوعات ادب فارسی، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- انوری، حسن و دیگران (۱۳۸۱)، فرهنگ بزرگ سخن. هشت جلدی. تهران: سخن، ۱۳۸۱.
- بدخشان، ابراهیم و موسوی، سجاد (۱۳۹۳)، بررسی زبان شناختی به گویی در زبان فارسی، فصلنامه جستارهای زبانی،

- تهران: دانشگاه تربیت مدرس، دوره ۵، شماره ۱، (پیاپی ۱۷)، بهار ۱۳۹۳، ۱-۲۶.
- حسینی، سید محمد (۱۳۸۸)، ادب و قدرت: نشانگرهای زبانی مخالفت در جلسات دفاع از پایان‌نامه، مجله پژوهش‌های زبان‌شناسی، سال اول، شماره اول، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- داد، سیما (۱۳۷۸)، فرهنگ اصطلاحات ادبی (واژه‌نامه، مفاهیم و اصطلاحات ادبی فارسی / اروپائی)، تهران: انتشارات مروارید.
- شریفی، محمد (۱۳۸۷)، فرهنگ ادبیات فارسی، تهران: انتشارات معین.
- شعیری، حمیدرضا (۱۳۸۸الف)، از نشانه‌شناسی ساختگرا تا نشانه-معناشناسی گفتمانی، فصلنامه تخصصی نقد ادبی، س ۲، ش ۸، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۳۳-۵۱.
- شعیری، حمیدرضا (۱۳۸۸ب)، مبانی نظری تحلیل گفتمان رویکرد نشانه-معناشناختی، پژوهشنامه فرهنگستان هنر، شماره ۱۲، ۵۵-۷۲.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۹)، معانی، چاپ دوم از ویرایش دوم، تهران: نشر میترا.
- فراروی، جمشید (۱۳۸۹)، فرهنگ طیفی (تزاروس فارسی)، نسخه رومی شورای عالی اطلاع رسانی.
- Akbari, Z. (2006), "The Realization of Politeness Principles in Persian". *Karen Linguistics Issues*.
- Allan, K. & K., Burridge. (1991), *Euphemism and Dysphemism: Language Used as Shield and Weapon*. New York: Oxford University Press.
- Casas Gomez, M. (2009), "Towards A New Approach to the Linguistic Definition of Euphemism". *Language Sciences*, Vol. 31: 725-739.
- Crespo Fernández, E. (2005), "Euphemistic Strategies in Politeness and Face Concerns". *Pragmalingüística* 13: 77-86.
- Munteano, M.B. (1953), "Les implications esthé'tiques de l'euphé'misme en France au XVIIIesie`cle". *Cahiers de l'AssociationInternationale.des E´tudesFranc_aises* 3-5, 153-166.
- Redfern, W.D. (1994), "Euphemism". In: *The Encyclopedia of Language and Linguistics*. Oxford .Volume 3, S. 1180-1181.
- Wardaugh, R. (1986), *An Introduction to Sociolinguistics*. Blackwell, Oxford.
- Warren, B. (1992), "What Euphemisms Tell Us about the Interpretation of Words". *StudiaLinguistica*, 46(2), 128-172.